



آمیختگی انسان و گیاه

در نقاشی‌های پویا آریانپور



برپایی نمایشگاه نقاشی‌های پویا آریانپور از چهارم تا دوازدهم خردادماه سال جاری در فرهنگسرای نیاوران زمینه‌ای برای گفت‌وگو با این هنرمند نقاش شد تا رویکرد تازه‌ی او به فرم و مفهوم از پس فرم‌های انتزاعی و آمیختگی نقاشی با «کلمات» را جویا شویم.

● چرا ابستر کشنیزم را برای بیان افکار خود انتخاب کرده‌ای؟

سال‌ها، پیش خواسته و ناخواسته به نقاشی انتزاعی روی آوردم. به هر حال این زبانی بود که قابلیت نمایش مفاهیم کلی را داشت. مفاهیم، تعاریف متفاوتی داشتند و من به جست‌وجوی تعریف مشخص خود از آن مفاهیم بودم. برای من هنر انتزاعی امکان تعلیق مفهوم را گسترده‌تر می‌کرد و دیگر این‌که نشانه‌های بصری انتزاعی، دور از دسترس خرده گیران بود و راه را برای بیان باز می‌کرد. نمادگرایی، روی آوردن به مفاهیم کلی و تجربی راهگشای هنرمندان بسیاری بوده است و چون اندرزی برای ما مانده است.

● به نظر شما در جوامع جهان سوم که هنوز ساختاری کاملاً صنعتی پیدا نکرده‌اند، هنر مدرن چه موقعیتی دارد؟

گرایش به گذشته از یک رو و روند بی‌مهابای مدرنیته از روی دیگر آن چیزی است که در چنین جوامعی با آن روبرویم. هنرمند به عنوان آیینی جامعه به هستی خود واکنش نشان می‌دهد. واکنشی که گاه فقط بر پایه محصولات گذشته است و گاه فقط برای هنر عاریه‌ای غربی. بحران‌های سیاسی، نهادها، اختلاف‌های قومی، تعبیر دینی و غیره که از مشکلات کشورهای جهان سوم است همگی دستمایه‌ی خلاقیت هنری هنرمندان این جوامع است. طبیعی است این‌گونه مفاهیم و هنرهای هیجانی مخاطبان و منتظران بسیاری را در گوشه و کنار جهان سیراب می‌کند. از طرفی دیگر همان بحران‌ها و هیجان‌ها، امتحان روند تدریجی هنر و هنرمند را که می‌تواند منجر به ایجاد نوعی شکل یا بینش هنری مستقل شود، از میان می‌برد.

● در کارهای تازه شما گرایشی به خط و نوشتار دیده می‌شود، این رابطه خط نستعلیق با فرم جدید کارهایتان چگونه تفسیر می‌شود؟

نوع پدید آمدن یک نقاشی معمولاً به دو گونه است: از طریق حضور بی‌واسطه‌ی عناصر بصری که منجر به تولید مفهوم و حضور اندیشه می‌گردد و یا به استناد یک مفهوم، میانجی‌های بصری خلق می‌شوند و اندیشه‌ای را شکل می‌دهند. شاید اکنون منشأ اثر من حضور خود مفهوم است، که گاه با کلمه‌ای آغاز می‌گردد. گاه خود کلمه است و گاه کلمه، آن چیزی است که خود تمامیت اثر است. در دوره جدید کارهای من، حضور مانوس خط فارسی در کنار فرم‌ها و سطوح نامأنوس شخصی،



امکان گویش نویی را برای ام مهیا کرده است.

● **موقعیت اجتماعی نقاشی در ایران امروز از دیدگاه تو چیست؟**

سال‌های متوالی است که آمیخته‌گی نگاه واپس‌گرای و نگاه مدرنیستی دغدغه هنرمند معاصر است. نقاشان در این سال‌ها به انواع ترفندها سعی در ترکیب نشانه‌های مانوس و نامانوس تاریخی خود با فضاهای مدرنیستی دارند که آثار حاضر به ندرت به زبانی اثرگذار و ماندگار تبدیل شده است و بیشتر هذیانی هستند.

● **فکر می‌کنی چه اندازه در انتقال اندیشه، آزادی عمل داری؟**

راه انتقال پیام قسمتی از خود اثر هنری است و گزینش راه‌حل همان مقوله‌ای است که هنرمند همواره برای آن ستوده شده است و گاه می‌بینیم که خود راه حل همان اثر هنری است. اعتراض و نقد به شرایط موجود در هر دوره‌ای از خواص هنرمند پویا است و هنرمند هوشیار در هر زمانی به مدد هنرش راهی برای انتقال پیام‌اش خلق می‌کند. بدین معنا نحوه‌ی بیان هوشمندانه هنرمند می‌تواند آزادی عمل او را رقم بزند.

● **چه موانعی بر سه راه هنرمند در جامعه امروز ایران روند آفرینش را کند کرده است؟ واپس‌گرایی یکی از عوامل مهم بازدارنده برای**

هنرمند ایرانی است. در این کشور مانند دیگر کشورهای جهان سوم ما با رویکردی ایستا به فرهنگ روبرویم. نگاه کلی حاکم در کشور این است که هر آن چه بوده مقدس است و می‌بایست آن را عزیز دانست و ما فقط حافظ و نگهدار آن هستیم. حال آن‌که حضور مدرنیته و رویکردی مدرنیستی جامعه‌ای متحول و هنری پویا را ایجاب می‌کند.

● **درباره آخرین کارهای تازه‌ای که در فرهنگ‌سرای نیاوران برپا شد چه نظری دارید؟**
 ۲۰ نقاشی در این نمایشگاه عرضه کردم که عمدتاً در ابعاد 180×300 CM هستند. در این نمایشگاه شما ردپای دوران قرمز مرا می‌بینید کارهای قرمز من اولین بار در سال ۱۳۸۲ در گالری گلستان به نمایش درآمد. موضوع آثار آن دوره تناسخ بود. حکایت تصویر آمیخته‌گی اندام انسان و گیاه بر پرده‌ای غیر زمینی بود. در دوره جدید رنگ مایه قرمز همچنان به عنوان پرده غیر زمینی محور بیشتر نقاشی‌ها است. گیاهان و حیوان‌واره‌ها و حضور نشانه‌های مانوس فرهنگی عناصر اصلی این نقاشی‌ها هستند. هم‌جواری عناصر از حال من حکایت خواهد داشت.

